

مفهوم چشم‌زخم، زمینه‌های آن و راهکار جلوگیری از فعالیت سوء «عین» در قرآن و حدیث

احمد عسکری^۱

چکیده

چشم‌زخم، آسیب یا نقصانی است که از ناحیه برخی افراد به دلیل دشمنی، گناه، تعجب، حسادت و یا دلایل دیگر، ایجاد می‌شود و برای رفع آثار بد آن راهکارهایی بیان شده است. دیدگاه‌ها درباره ماهیت و زمینه‌های چشم‌زخم متفاوت است. عده‌ای به حقیقت آن معتقدند و در برابر، گروهی اعتقاد دارند که چشم‌زخم حقیقت ندارد. آموزه‌های دینی به واقعیت و تأثیرات چشم‌زخم اشاره می‌کند. هدف این نوشتار، تصحیح باورها درباره ماهیت و تأثیرات این پدیده است. پژوهش حاضر با بررسی نگاه‌های موجود در زمینه چشم‌زخم، به نقش عواملی مانند گناه، حسد و تعجب در پیدایش این پدیده پرداخته و دو راهکار برای پیشگیری از چشم‌زخم از سوی چشم‌زننده مطرح می‌کند. این نوشتار در دو بخش، «چیستی چشم‌زخم» و «زمینه‌های چشم‌زخم» تنظیم شده است.

واژگان کلیدی

عین لامعه، ازلاق بصر، حسد، تعجب، قلب سلیم، قدرت و نعمت الهی، معارف قرآن و حدیث

درآمد

چشم‌زخم، موضوعی است که تاریخ آن به پیش از دوران اسلامی بازمی‌گردد. با مطالعه نگاه‌های موجود و آثار به جامانده از گذشتگان، روشن می‌شود که بیشتر جوامع با این مسأله آشنا بودند. باور بسیاری از مردم این است که در چشمان برخی، نیرویی وجود دارد که آنها را به کارهای غیر عادی قادر می‌سازد. طرفداران این سخن، شواهدی برای اثبات ادعای خود می‌آورند. سخنان معصومان علیهم‌السلام در این زمینه، وجود چنین نیرویی را ثابت می‌کند. البته عده‌ای از اندیشمندان شیعی

مفهوم چشم‌زخم، زمینه‌های آن و راهکار جلوگیری از فعالیت سوء «عین» در قرآن و حدیث

۱. دانش‌پژوه سطح چهار مرکز تخصصی حدیث حوزه علمیه قم.

با قبول اصل چشم‌زخم، براین باورند که عقاید ناصواب و باورهای نادرست و بی‌اساس که در بین عامه مردم وجود دارد و زندگی عادی آنها را تحت تأثیر قرار داده، واقعیت ندارد.^۲ تبیین مفهوم چشم‌زخم و زمینه‌های آن، برای فهم واقعیت این پدیده، ضروری است. در موضوع چشم‌زخم، کتاب‌ها و مقالات ارزشمندی نوشته شده^۳ که بیشتر به آداب و رسوم مردم در گذشته، باور گروه‌های مختلف مردم و آیات و روایات این موضوع پرداخته و برخی از نگاه‌ها نیز آیات و روایات را جمع‌بندی کرده، دیدگاه‌های مفسران را بیان کرده‌اند. نوشتار پیش رو به چیستی و زمینه‌های ایجاد چشم‌زخم می‌پردازد؛ کاری که در نگاه‌های پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با طرح این پرسش که «ماهیت چشم‌زخم و زمینه‌های آن چیست» به بیان دیدگاه قرآن و حدیث در دو بخش مفهوم شناسی و زمینه‌ها پرداخته است. در این پژوهش، تفاوت «حسد» و «تعجب» با چشم‌زخم و ارتباط این دو مفهوم با «عین لامعه» مطرح می‌شود. همچنین «تربیت قلب سلیم» و «تصحیح جهان‌بینی نسبت به قدرت و نعمت الهی» به‌عنوان مهم‌ترین راهکار برای مقابله با صدور چشم‌زخم از «عین مزلقه» ارائه می‌گردد.

الف) چیستی چشم‌زخم

برای شناخت چیستی چشم‌زخم، ابتدا به معنای لغوی آن پرداخته و سپس با توجه به آیات و روایات، واقعیت‌داشتن این پدیده بررسی می‌شود.

۱. مفهوم شناسی

چشم‌زخم به معنی آزار و نقصانی است که از ناحیه چشم برخی افراد صادر می‌شود.^۴ در زبان عربی، از چشم‌زخم با تعبیری چون «إصابة العين»، «العين»، «عین اللامعة» و «اللامعة العین» یاد شده است.^۵ «إصابة العين» یعنی نگاهی که از روی حسادت یا دشمنی باشد^۶ و تأثیر منفی در طرف مقابل ایجاد کند.^۷ «العين» دلالت بر چشم به‌عنوان عضوی از بدن دارد^۸ و به کسی که شور

۲. ن.ک: کتاب چشم‌زخم در جامعه امروز.

۳. ن.ک: مقاله «چشم‌زخم در نگرش قرآن و روایات»؛ پایان‌نامه «بررسی هنرهای مرتبط با چشم‌زخم در فرهنگ ایرانی - اسلامی معاصر و ریشه‌های تاریخی و مردم‌شناختی آن»؛ کتاب «سبب‌شناسی چشم‌زخم در آیات و روایات»؛ کتاب «چشم‌زخم و دام‌های شیاطین».

۴. لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «چشم‌زخم».

۵. تاج العروس، ج ۱۸، ص ۴۰۱.

۶. «أَصَابَتْ فُلَانًا عَيْنٌ» برای نگاهی به کار می‌رود که از روی دشمنی یا حسادت به شخصی صورت گیرد. (ن.ک: النهاية، ج ۲، ص ۴۰۴)

۷. تهذیب اللغة، ج ۲، ص ۱۳۰؛ تاج العروس، ج ۱۸، ص ۴۰۲.

چشم باشد «عاین» و به «چشم‌خورده» معیون گفته می‌شود.^۹ «رَجُلٌ مَعِيَانٌ» و «رَجُلٌ عَيْنٌ» یعنی کسی که با شدت، چشم می‌زند.^{۱۰} واژه‌های چشم بد، چشم‌زخم، چشم حسود، چشم شور، چشم کاسه‌خشک، چشم‌زدن، نظرزدن، چشم‌خوردن و چشم‌کردن به صورت مترادف به کار می‌روند.^{۱۱}

در گذشته برخی از قبایل عرب تعبیری را به کار می‌بردند که در نگاه اول به نظر می‌رسد با چشم‌زخم ارتباط داشته باشد؛ مانند «طَيِّرُهُ»،^{۱۲} «تَقَالُ»،^{۱۳} «وَشْمٌ»،^{۱۴} «تَمَائِمٌ»^{۱۵} و «تَوَلَّاةٌ».^{۱۶} مفاهیم این واژگان در باورهای مردم رسوخ داشت و هر اتفاق یا حادثه‌ای را به یکی از این امور

۸. معجم مقایس اللغة، ج ۴، ص ۱۹۹.

۹. تهذیب اللغة، ج ۳، ص ۱۳۰.

۱۰. القاموس المحيط، ج ۴، ص ۲۵۰.

۱۱. برهان قاطع، ص ۱۰۸.

۱۲. واژه «طَیْرٌ» مصدر باب تَفَعَّلَ از مادّه طیر (پرنده) به معنای فال بد زدن است. لغت‌شناسان رابطه بین تَطْيِيرٌ و طیر را این‌گونه توضیح داده اند که در ابتدا، فال گرفتن با پرنده انجام می‌گرفت؛ بعداً در مورد هر چیزی که با آن فال گرفته می‌شد، از واژه تَطْيِيرٌ استعمال می‌کردند. (ن.ک: النّهاية، ج ۳، ص ۱۵۲؛ لسان العرب، ج ۲، ص ۱۱۴؛ الفائق، ج ۳، ص ۴؛ مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۲۹).

۱۳. تَقَالٌ به معنای فال نیک زدن به مکان یا زمان بر حسب آنچه در این دو بدان برخورد می‌کند یا می‌شنود است؛ یعنی با شنیدن یا دیدن آن تَيْمَنٌ و تَبْرُکٌ بجوید. (ن.ک: العين، ج ۸، ص ۳۳۶؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۵۱۳؛ مجمع البحرين، ج ۵، ص ۴۳۹؛ مکاسب محرمه، ج ۲، ص ۲۷۱؛ مصباح المنیر، ص ۴۸۴؛ وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۲۳۶؛ شرح اصول الکافی للمازندرانی، ج ۱۱، ص ۷۴)

۱۴. کلمات وُشومٌ، وِشامٌ، وِشامٌ، وُشْمَةٌ و تَوْشِيمًا همگی از یک خانواده هستند و برای علامت، خالکوبی و خط و نگاری که بر دست ایجاد می‌کنند، به کار می‌رود. الوشیم در معنای شر و دشمنی استعمال می‌شود. این، کاری بود که زنان دوران جاهلیت از آن استفاده می‌کردند تا خود را از شرور و دشمنی برهانند. این عمل در روایات، مورد مذمت واقع شده است. (ن.ک: سنن النسائی، ج ۸، ص ۱۴۵؛ فرهنگ ابجدی، ص ۹۸۷؛ جمهرة اللغة، ج ۲، ص ۸۸۱؛ الجیم، ج ۳، ص ۳۰۴؛ المصباح المنیر، ص ۶۶۱؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۶۳۸؛ تاج العروس، ج ۱۷، ص ۷۲۸؛ هدایة الامّة، ج ۶، ص ۷۴)

۱۵. تمائم جمع «تمیمة»، به معنای بازوبندی است که خاندان عرب برای دفع چشم زخم و دفع ارواح پلید، همراه فرزندان خود می‌کردند. به «تمیمة» از این رو «تمیمة» می‌گفتند که معتقد بودند تمام دوا و شفا در آن است. اسلام این اعتقاد فاسد را باطل کرده است. (ن.ک: لسان العرب، ج ۱۲، ص ۷۰؛ المحيط فی اللغة، ج ۹، ص ۴۱۷)

۱۶. تَوَلَّاهُ به حرزی گفته می‌شود که زن برای جلب محبوبیت شوهرش به همراه داشت یا به گردن خود می‌آویخت. رسول خدا ﷺ آن را نهی فرمودند در روایت ابن مسعود آمده که این حرز از مصادیق شرک محسوب می‌شود؛ زیرا شخص گمان می‌کرد که غیر خدای تعالی، قدرت بر دفع شرور دارد. (ن.ک: شمس العلوم، ج ۲، ص ۷۸۲؛ النّهاية، ج ۱، ص ۲۰۰؛ تاج العروس، ج ۱۴، ص ۸۱؛ مقایس اللغة، ج ۱، ص ۳۵۹؛ المحکم و المحيط الاعظم، ج ۹، ص ۵۳۸؛ شرح الاخبار، ج ۳، ص ۹۹)

مرتبط می‌کردند. در حالی که این مفاهیم، ربطی به چشم‌زخم ندارد و از نظر دینی هم مفاهیمی جدای از چشم‌زخم است.^{۱۷} از نظر قرآن کریم و روایات، چشم‌زخم، خرافه نیست.^{۱۸}

۲. واقعیت چشم‌زخم

برای درک بهتر ماهیت چشم‌زخم در متون دینی باید آیات قرآن کریم و روایات بررسی شود. تنها آیه‌ای که به روشنی، این موضوع را مطرح کرده، آیه ۵۱ سوره قلم است:

وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ

لَمَجْنُونٌ.^{۱۹}

ای رسول ما نزدیک بود که کافران از حسد به وسیله چشمان بد، چشم‌زخم‌ت زنند چون آیات قرآن را شنیدند و در فصاحتش متحیر شدند باز می‌گویند که این شخص دیوانه است.^{۲۰}

برخی مفسران در شأن نزول این آیه نوشته‌اند:

کفار قصد داشتند رسول خدا ﷺ را چشم بزندند. طایفه‌ای از بنی‌اسد شخصی را که به بدچشمی معروف بود، یافتند و از او خواستند تا پیامبر ﷺ را در حال قرائت قرآن چشم بزند. او مدتی با توجه به حضرت نگاه کرد و شک نداشت که پیغمبر اکرم ﷺ با نگاه دقیق و متمرکز او چشم می‌خورد و این بیت را انشاد کرد:

قَدْ كَانَ قَوْمُكَ يَحْسَبُونَكَ سَيِّدًا وَآخَالَ أَنَّكَ سَيِّدٌ مَعِينٌ

گمان قوم تو این است که آقا هستی ولی من گمان دارم که آقای چشم‌زده هستی.

در این هنگام، آیه «وَإِنْ يَكَادُ» نازل شد و خداوند متعال، آن حضرت را از چشم‌بد محفوظ داشت.^{۲۱}

۱۷. ن.ک: الجعفریات، ص ۱۶۸؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۱.

۱۸. القلم، ۵۱؛ یوسف، ۶۷؛ ن.ک: المجازات النبویة، ص ۳۳۴.

۱۹. القلم، ۵۱.

۲۰. همه ترجمه‌ها بر اساس ترجمه آیت الله مکارم شیرازی است.

۲۱. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۲۲۷.

واژه «زلق» به معنی زلزله و لغزش است. «ازلاق» یعنی «ازلال»، «اصراع» و «به زمین انداختن» که کنایه از کُشتن و هلاک کردن است. از این رو آیه می‌فرماید: محققاً آنها که کافر شدند وقتی قرآن را شنیدند نزدیک بود با چشم‌های خود تو را به زمین بیندازند؛ یعنی با چشم‌زخم خود تو را بکشند.^{۲۲}

عده‌ای دیگر از مفسران گفته‌اند که کفار، نظر تند و شدید همراه با کینه و عداوت داشتند و نزدیک بود، حضرت را زمین گیر کنند.^{۲۳} در اشعار عرب نیز این تعبیر وجود دارد. واژه «نظراً» در بیت زیر به معنای کینه و عداوت است:

يَنْقَارُضُونَ إِذَا التَّقَوَّا فِي مَجْلِسٍ نَظْرًا يُزِيلُ مَوَاقِعَ الْأَقْدَامِ^{۲۴}

هرگاه در مجلسی به هم برمی‌خورند از یکدیگر با چشمانشان می‌چینند به طوری که قدم‌ها را می‌لغزاند و از جا می‌کند.

روایات فراوانی درباره چشم‌زخم و پیامدهای آن وجود دارد.^{۲۵} که نشان می‌دهد آثار این پدیده می‌تواند بسیار خطرناک باشد. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

چشم‌زخم حقیقت دارد و انسان را از بلندی به زیر می‌کشانند و به کام مرگ می‌برد.^{۲۶}

ایشان در جای دیگری فرمودند:

الْعَيْنُ حَقٌّ وَ لَوْ كَانَ شَيْءٌ سَابِقَ الْقَدْرِ سَبَقَتْهُ الْعَيْنُ.^{۲۷}

چشم‌زخم، حق است و اگر چیزی بر قدر سبقت بگیرد، چشم‌زخم است.

ابن‌ابی‌الحدید ذیل این روایت می‌نویسد:

در چشم برخی از انسان‌ها چنان قدرتی وجود دارد که قابل انکار نیست.^{۲۸}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پایگاه جامع علوم انسانی

۲۲. ن.ک: ترجمه المیزان، ج ۱۹، ص ۶۴۸.

۲۳. ن.ک: ترجمه مجمع البیان، ج ۲۵، ص ۲۴۸.

۲۴. زاد المسیر، ج ۴، ص ۳۲۸.

۲۵. ن.ک: الجعفریات، ص ۱۶۸؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۱؛ الکافی، ج ۲، ص ۵۶۹؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۳۹؛ سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۱۱۵۹؛ مکارم الاخلاق، ص ۳۸۶؛ الهدایة الکبری، ص ۳۰۹؛ سنن ابی‌داوود، ج ۱۰، ص ۳۸۰؛ الخصال، ج ۱، ص ۳۲۹؛ صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۳۲؛ المعجم الکبیر، ج ۶، ص ۸۲؛ المجازات النبویة، ص ۴۱۲؛ مسند احمد، ج ۶، ص ۸۱.

۲۶. «الْعَيْنُ حَقٌّ تَسْتَنْزِلُ الْحَالِقُ.» المجازات النبویة، ص ۴۱۲؛ الجامع الکبیر، ج ۱، ص ۱۴۲۹۲.

۲۷. السنن الکبری، ج ۹، ص ۵۹۱؛ صحیح ابن‌حبان، ج ۴، ص ۴۷۳ و ۲۵۸؛ فتح الباری، ج ۱۶، ص ۲۶۸؛ سبل الهدی، ج ۱۲، ص ۱۶۵؛ طب الاثمة، ص ۱۲۱؛ تفسیر منهج الصادقین، ج ۹، ص ۳۹۱.

۲۸. شرح نهج البلاغة لابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۹، ص ۳۷۲.

برخی از کارهای خارق‌العاده معلول ریاضت‌ها و تمرین روحی و گاهی بر اثر ارتباط با شیطان است. انسان می‌تواند به هر میزانی که با نفس خویش مبارزه می‌کند از قدرت خارق‌العاده الهی بهره‌مند شود. در برابر، برخی با برقراری ارتباط با شیطان به توانی محدود در مسیری ناپسند دست می‌یابند. اعضای بدن انسان، تحت تأثیر روح قرار گرفته و بخشی از قدرت خویش را از قدرت روح می‌گیرند.^{۲۹}

نویسنده بحار الانوار در بیان تفاوت انسان‌ها می‌نویسد:

این تفاوت در ویژگی‌های فردی نیز وجود دارد و ممکن است در چشم برخی از مردم، ویژگی‌هایی باشد که در دیگران نفوذ نماید.^{۳۰}
گاهی نگاه کردن برخی از انسان‌ها به دیگران، تأثیر ناگواری بر جسم گذاشته و موجب بیماری یا ضعف جسمی می‌شود. ابن حجر عسقلانی می‌نویسد:

بسیاری از مردم به‌خاطر نگاه، مریض می‌شوند و قدرت جسمی آنها تحلیل می‌رود. این رویداد به‌واسطه تأثیر روح بر جسم است و به‌دلیل شدت ارتباط روح با چشم، آن عمل به چشم نسبت داده می‌شود. اگر آن چیزی که از چشم ساطع می‌شود به بدن اصابت کند، آثار سوء بر جا می‌گذارد و در غیر این صورت، آن نگاه اثر نمی‌کند؛ بلکه به صاحب آن برمی‌گردد.^{۳۱}
چشم‌زخم ویژه انسان‌ها نیست. چشم برخی از حیوانات^{۳۲} و جنیان^{۳۳} نیز دارای اثرات ناگواری است که سبب تضعیف سیستم دفاعی بدن، بروز برخی بیماری‌ها^{۳۴} و حتی مرگ می‌شود.^{۳۵}

ب) زمینه‌های چشم‌زخم

عوامل متعددی موجب ایجاد چشم‌زخم می‌شود. شناخت این علل به انسان کمک می‌کند تا برای دفع اثر سوء آن اقدام کند. در این بخش برخی زمینه‌های چشم‌زخم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲۹. ن. ک: درآمدی بر عرفان‌های حقیقی و عرفان‌های کاذب، ص ۳۷۹ تا ۳۸۱.

۳۰. تفسیر روح البیان، ج ۱۰، ص ۱۲۸.

۳۱. فتح الباری لابن حجر، ج ۱۰، ص ۲۱۲.

۳۲. شرح نهج البلاغة لابن ابی‌الحدید، ج ۱۹، ص ۲۲۳ و ۳۷۷.

۳۳. زاد المعاد، ص ۷۱۹.

۳۴. دراسة فی طب الرسول ﷺ، ص ۳۶۱.

۳۵. عوالمی اللالی، ج ۱، ص ۷۷.

۱. گناه

رفتاری که بر خلاف دستورات دین و شرع مقدس باشد، گناه نام دارد.^{۳۶} «ذنب» دنباله هر چیز و نتیجه آن است.^{۳۷} هر کاری که عاقبتش ناگوار یا برفرجام باشد از روی استعاره، «ذنب» گفته می‌شود. قرآن کریم از گناه با تعابیری مانند ذنب، اثم، سیئه، معصیت، جرم و... یاد می‌کند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

چیزی بیشتر از گناه، قلب را فاسد نمی‌کند؛ زیرا قلب، گناه می‌کند و بر آن اصرار می‌ورزد تا این که شخص در برابر گناه به زمین می‌خورد و در نتیجه سرنگون می‌گردد؛ در چنین حالتی، موعظه در آن اثر نمی‌کند.^{۳۸} با دقت در این روایت روشن می‌شود که میان گناه با نیت قلبی رابطه وجود دارد و نیت‌های بد، آثار بدی بر قلب می‌گذارد؛ همان‌گونه که نیت‌های خوب، قلب را روشن می‌کند. قلب انسان، سرچشمه عطوفت الهی است. گناه موجب می‌شود که رفته‌رفته این عطوفت به قساوت و سنگ دلی بدل شود. به فرموده امام علی علیه السلام:

هیچ چیزی بیشتر از گناه قلب را فاسد نمی‌کند.^{۳۹}

در بسیاری از مواقع، قلب چشم زنده، به دلیل گناه، خانه کینه و قساوت شده و نیت آلوده‌ای پیدا می‌کند. او با قلب آلوده خویش به این نعمت‌ها می‌نگرد. چشم وی که از قلب او اثر می‌پذیرد این آلودگی و دشمنی را منتقل کرده و گاهی با نگاهی ظالمانه، نعمت را زایل می‌سازد. از این رو «تربیت قلب سلیم» راهکاری اثرگذار برای جلوگیری از صدور چشم‌زخم است.

۲. حسد

حسد در لغت به معنای آرزوی زوال فضیلت^{۴۰} و نعمت^{۴۱} است. حسود، با آرزوی زوال نعمت، در عمل برای از بین بردن نعمت طرف مقابل، کوشش می‌کند.^{۴۲} نعمت‌های مادی و معنوی هر دو می‌تواند مورد حسادت قرار گیرد. حسد، موجب سختی و گرفتاری همیشگی برای حسود و نیز برای کسی می‌شود که مورد حسادت قرار می‌گیرد. گویا حسود با خداوند متعال در بخشش نعمت و تدبیر

۳۶. گناه‌شناسی، ص ۷.

۳۷. مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۳۱.

۳۸. الکافی، ج ۲، ص ۲۶۸.

۳۹. الکافی، ج ۲، ص ۲۶۸.

۴۰. القاموس المحيط، ج ۱، ص ۳۹۹.

۴۱. الصحاح، ج ۲، ص ۴۶۵؛ اساس البلاغة، ص ۱۲۶.

۴۲. مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۳۴.

امور خلق، نزاع دارد و به افعال پروردگار خشنود نیست.^{۴۳} این ویژگی چنان نیرومند می‌شود که حسود هیچ نعمتی را برای دیگران بر نمی‌تابد.^{۴۴}

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام به آثار منفی حسادت، از بُعد فردی و اجتماعی و به لحاظ سلامت جسم و روح، اشاره شده است. برخی از این آثار که در بُعد جسمی و فردی ظهور پیدا می‌کند عبارتند از: سختی زندگی و آرامش نداشتن،^{۴۵} نداشتن دوست،^{۴۶} محبوبیت نداشتن بین مردم^{۴۷} و نداشتن سلامت جسم^{۴۸}. امام علی علیه‌السلام درباره پیامدهای جسمی حسادت می‌فرماید:

أَلْعَجَبُ لِعَفَالَةِ الْحُسَّادِ عَنِ سَلَامَةِ الْأَجْسَادِ.^{۴۹}

تعجب می‌کنم که چگونه حسودان از سلامت جسم خود غافلند.

شخص حسود، از حال خودش غافل است؛ نه به فکر سلامت دیگران است، نه به سلامت خود می‌اندیشد. حسود با ناراحتی فکری و گرفتاری شدید روحی از توجه به پیشرفت خود بازمی‌ماند.^{۵۰} قرآن کریم در آیه ۴۷ سوره حجر، درباره بهشتیان می‌فرماید:

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ.

کینه [و حسدی] که در سینه‌هایشان بوده به در آوریم و برادرگونه بر تخت‌ها روبه‌روی هم قرار دارند.

شخص حسود، آرزوی زوال نعمت و یا سلامتی دیگران را در ذهن می‌پروراند؛ به همین خاطر در پی راهی برای رسیدن به این آرزوست و برای رسیدن به آن، چشم زدن را راهی در دسترس می‌بیند.

البته حسادت و چشم‌زخم، متفاوت با یکدیگرند. هر شخص حسودی، عاین نیست و چه‌بسا شخصی بدون اینکه به دیگری چشم بزند و یا به او ضرری برساند، حسادت کند. در سوره فلق از شر حسدی که عاین است، به خدا پناه می‌برد.^{۵۱} حسد در وجود شخص کینه‌توز واقع شده و از آرزوی زوال نعمت سرچشمه می‌گیرد؛ به‌خلاف عین که متشاء آن اعجاب است. حسادت ممکن است درباره امر حتمی‌ای باشد که هنوز واقع نشده؛ در حالی که عاین، موجود بالفعل را چشم

۴۳. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۲۵۰.

۴۴. ن.ک: جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۰۷.

۴۵. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۲.

۴۶. تصنیف غرر الحکم، ص ۳۰۰.

۴۷. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۳۷.

۴۸. نهج البلاغة، حکمت ۲۵۶؛ غرر الحکم، ص ۷۸۲؛ عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۹.

۴۹. نهج البلاغة، حکمت ۲۲۵.

۵۰. ن.ک: مصباح الشریعة، ص ۲۱۱.

۵۱. «وَمِنْ شَرِّ غَائِبٍ إِذَا وَقَبَ» و از زیان حسود، زمانی که حسد می‌ورزد. (الفلق، ۳)

می‌زند. حسود به خودش یا مالش نمی‌تواند ضرر برساند؛ برخلاف عین که امکان ضرر به نفس هم دارد. حسادت از نفس ناپاک سرچشمه می‌گیرد؛ به‌خلاف عین که ممکن است از شخص صالح و به‌دلیل تعجب نسبت به چیزی بدون اراده نابودی صادر شود.^{۵۲}

در مجموع، حسادت می‌تواند زمینه‌ای برای چشم‌زدن باشد. یعنی شخص حسود پس از آنکه برای طرف مقابل، آرزوی زوال نعمت کرد، با چشمانی که از کینه و ناپاکی متأثر شده، به نعمت می‌نگرد و آن را زایل می‌کند.

۳. تعجب

یکی دیگر از عوامل مؤثر در چشم‌زخم، تعجب است.^{۵۳} مصدر باب تَفَعَّل از ماده «عجب» و به معنی «به شگفت آمدن» است.^{۵۴} «العجب» و «التعجب» حالتی است که در موقع ندانستن و جهل نسبت به چیزی برای انسان حاصل می‌شود. از این رو برخی از لغویان گفته‌اند:

العَجَبُ ما لا يُعْرَفُ سَبَبُهُ.^{۵۵}

شگفتی، چیزی است که سبب آن شناخته نشود.

به‌عبارت دیگر می‌توان گفت که وقتی چیزی، همانندش شناخته نشود «عجیب» خواهد بود. شخصی که دارای چنین حالتی باشد را «مُتَعَجِّبٌ» و صفت حاصل‌شده در او را «تَعَجُّبٌ» می‌گویند.^{۵۶}

تعجب حقیقی در خداوند متعال راه ندارد؛ زیرا علّت و سبب رویدادها بر او پوشیده نیست؛ از این رو در مواردی که صفت تعجب به خداوند نسبت داده شده، جهت اغراض بلاغی و ادبی است.^{۵۷}

گاهی تعجب، پسندیده و گاهی ناپسند است. جایی که انسان در حالت بهت و تعجب به غیر خدا توجه پیدا نکند، ممدوح است و اگر دچار وسوسه‌های شیطانی شده، واژگان ناصوابی بر زبان جاری کند، مذموم خواهد بود. در منابع دینی، سفارش‌هایی برای رهایی از تعجب بیان شده که عمل به آنها راهگشای انسان خواهد بود. یکی از این راه‌ها اصلاح نیت است. امام علی علیه السلام وقتی با بچه‌ها مواجه می‌شدند برای آنها دعای خیر و طلب رحمت می‌کردند.^{۵۸} پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

۵۲. العین الحاسدة دراسة شرعیة، ج ۱، ص ۴؛ زاد المعاد، ج ۴، ص ۱۴۹.

۵۳. ن.ک: بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۹۱.

۵۴. المصباح المنیر، ص ۳۹۳.

۵۵. مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۴۷.

۵۶. ن.ک: حاشیة الخضرى، ج ۲، ص ۱۰۵؛ مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۴۷ تهذیب اللغة، ج ۱، ص ۲۴۷.

۵۷. ن.ک: مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۴۷.

۵۸. ن.ک: سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۳۲۸؛ فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۵۵۶.

اگر یکی از شما در خودش یا مالش یا در شخص دیگری چیزی را دید که مایه شگفتی است، برایش دعای خیر و برکت کند؛ به دلیل این که چشم‌زخم حقیقت دارد و اثرگذار است.^{۵۹}

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

از چشم دیگری بر خود و از چشم خود بر دیگری ایمن مباش. اگر از چشم‌زخم ترسیدی، سه بار بگو: «ما شاء الله لا حولَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.»^{۶۰}

بنابراین تعجب از نعمت در میان عرفا، خداباوران و صاحبان مقامات عالی وجود ندارد؛ چون در معرفت آنها تنگی، محدودیت و مزاحمتی میان نعمت‌های خداوند متعال برای مخلوقاتش وجود ندارد. اگر شخص متعجب، عجایب و شگفتی‌ها را از طرف خالق یکتا نبیند، ممکن است با چشم خویش که متأثر از قلب متعجب شده، زبانی برساند. در برابر، صاحب معرفت و ایمان، با دیدن امور بزرگ، خداوند متعال را شکر می‌کند و معرفت خویش را افزایش می‌دهد. از این رو «تصحیح جهان‌بینی شناختی نسبت به نعمت‌های الهی» راهکاری اثرگذار برای جلوگیری از صدور چشم‌زخم است.

نتیجه‌گیری

چشم‌زخم یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در میان مردم و اندیشمندان است. عده‌ای آن را پدیده‌ای واقعی می‌دانند و گروهی دیگر، مخالف هستند. آیات و روایات، اصل وجود چشم‌زخم را تأیید می‌کند و راه‌کارهایی برای درمان و رهایی از آن بیان می‌نماید. ریشه چشم‌زخم، گناه در ابعاد گسترده آن است. حسد و تعجیبی که ناشی از فراموشی یاد خدا باشد و شگفتی‌های عالم را خارج از قدرت الهی ببیند نیز از زمینه‌های چشم‌زخم است. راه سالم‌ماندن از رساندن این آسیب به دیگران، تربیت قلب سلیم و شناخت خداوند و اندیشه صحیح در آثار و نعمت‌های الهی است.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم، ترجمه: آیت‌الله مکارم شیرازی.
۲. أساس البلاغة، محمود بن عمر زمخشری، بیروت: دار صادر، اول، ۱۹۷۹م.
۳. الاشارات و التنبیها، ابن‌سینا، قم: نشر البلاغة، اول، ۱۳۷۵ش.
۴. الأمالی، محمد بن الحسن طوسی، تحقیق: مؤسسة البعثة، قم: دارالثقافة، اول، ۱۴۱۴ق.
۵. الأمالی، محمد بن علی صدوق، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامية، قم: البعثة، اول، ۱۴۱۷ق.

۵۹. نهج الفصاحة، ص ۱۹۳؛ مسند ابی‌یعلی، ج ۱۳، ص ۱۵۲.

۶۰. ن. ک: مکارم الاخلاق، ص ۳۸۶.

۶. آثار فردی و اجتماعی گناه، احمد مولوی حاجی آقا، قم: نگین، اول، ۱۳۸۶ ش.
۷. بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة الأطهار، محمداقرب بن محمدتقی مجلسی، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۸. تاج العروس من جواهر القاموس، محمدمرتضی حسینی زبیدی، بیروت: اول، ۱۴۱۴ ق.
۹. التحریر و التنویر، محمد الطاهر ابن عاشور، تونس: مؤسسة التونسية، بی تا.
۱۰. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۶۸ ش.
۱۱. ترجمه تفسیر المیزان، سید محمداقرب موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۱۲. ترجمه تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجمان، تحقیق: رضا ستوده، تهران: انتشارات فراهانی، اول، ۱۳۶۰ ش.
۱۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، تحقیق: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات، اول، ۱۳۶۶ ش.
۱۴. تفسیر روح البیان، اسماعیل حقی برسوی، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۵. التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، تحقیق: مدرسة إمام المهدي عليه السلام، قم: مدرسة إمام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. تفسیر آسان، محمد جواد نجفی خمینی، تهران: انتشارات اسلامی، اول، ۱۳۹۸ ق.
۱۷. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن شیخ حر عاملی، تحقیق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۸. تنبیہ الخواطر و نزہة النواظر (مجموعه ورام)، مسعود بن عیسی ورام بن أبی فراس، قم: مکتبه فقیه اول، ۱۴۱۰ ق.
۱۹. تهذیب الأحکام، محمد بن الحسن طوسی، تحقیق: حسن الموسوی خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. تهذیب اللغة، محمد بن احمد ازهری، بیروت: دار احياء التراث العربی، اول، ۱۴۲۱ ق.
۲۱. جامع الأخبار، محمد بن محمد شعیری، نجف: مطبعة حیدریة، اول، بی تا.
۲۲. جامع السعادات، ملّا محمد مهدی نراقی، بیروت: اعلمی، چهارم، بی تا.
۲۳. الجامع لأحكام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، تهران: ناصر خسرو، اول، ۱۳۶۴ ش.
۲۴. جهمرة اللغة، محمد بن حسن ابن درید، بیروت: دارالعلم للملایین، اول، ۱۹۸۸ م.
۲۵. الجیم، اسحاق بن مرار شیبانی، تحقیق: ابراهیم ایاری، قاهره: هیئته العامه لشئون المطابع الامیریة، اول، ۱۹۷۵ م.
۲۶. چشم زخم و دام‌های شیاطین، محمدابراهیم نصراللهی بروجردی، بی جا، ۱۳۴۱ ش.
۲۷. چشم زخم، اسماعیل گوهری، تهران: نیایش، ۱۳۲۱ ش.
۲۸. چشم‌های زهرآلود یا چشم زخم، علی دری اصفهانی، قم: ام ابیها، ۱۳۷۶ ش.
۲۹. حاشیة الخضرى على شرح ابن عقيل على ألفية، محمد الخضرى، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۸ ق.

۳۰. حافظ نامه، بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، بی‌جا، ۱۳۸۲ش.
۳۱. حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، سید عبدالحجت بلاغی، قم: انتشارات حکمت، ۱۳۸۶ش.
۳۲. دانشنامه امام علی علیه السلام، زیر نظر: علی‌اکبر رشاد، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چهارم، ۱۳۸۶ش.
۳۳. دانشنامه موضوعی قرآن کریم، آدرس. [www. maarefquran. org](http://www.maarefquran.org)
۳۴. الدرّ المنثور فی تفسیر المأثور، جلال‌الدین سیوطی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۳۵. دراسة فی طب الرسول المصطفی (الامراض)، عباس تبریزیان، بیروت: دارالاثار، اول، ۱۴۲۳ق.
۳۶. درآمدی بر عرفان‌های حقیقی و عرفان‌های کاذب، احمدحسین شریفی، قم: صهبای یقین، دوم، ۱۳۸۷ش.
۳۷. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، سید محمود آلوسی، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۵ق.
۳۸. زاد المعاد - مفتاح الجنان، محمداقبر بن محمدتقی مجلسی، تحقیق: علاء‌الدین اعلمی، بیروت: موسسة الأعلمی للطبوعات، اول، ۱۴۲۳ق.
۳۹. سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد، محمد بن یوسف صالحی دمشقی، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۴ق.
۴۰. سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، شیخ عباس قمی، قم: دار اسوه، اول، ۱۴۱۴ق.
۴۱. سنن ابی داوود، سلیمان بن الأشعث ابوداود، تحقیق: محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت: مکتبه العصریه، بی‌تا.
۴۲. سنن نسائی، ابوعبدالرحمن نسائی، تحقیق: عبدالمنعم شبلی، بیروت: موسسة الرسالة، اول، ۱۴۲۱ق.
۴۳. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، نعمان بن محمد مغربی ابن حیون، تحقیق: محمدحسین حسینی جلالی، قم: جامعه مدرسین، اول، ۱۴۰۹ق.
۴۴. شرح الاشارات و التنبیها، خواجه نصیرالدین طوسی، قم: نشر البلاغة، اول، ۱۳۷۵ش.
۴۵. شرح الکافی - الأصول و الروضة، محمد صالح بن احمد مازندرانی، تحقیق: ابوالحسن شعرانی، تهران: المکتبة الإسلامية، اول، ۱۳۸۲ق.
۴۶. شرح نهج البلاغة، عبدالحمید بن هبة الله ابن‌ابی‌الحدید، تحقیق: ابوالفضل محمد ابراهیم، قم: مکتبة آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۴۷. شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، نشوان بن سعید الحمیری الیمنی، تحقیق: دکترحسین بن عبدالله العمری، مطهر بن علی ایرانی، یوسف محمد عبدالله، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۴۲۰ق.
۴۸. الصحاح، ابونصر اسماعیل بن حماد الجوهری، تحقیق: ابوعمر و شهاب‌الدین، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۴۱۸ق.
۴۹. طب الائمه، عبدالله و حسین ابنا بسطام، تحقیق و تصحیح: محمد مهدی خرسان، قم: دارالشریف الرضی، دوم، ۱۴۱۱ق.
۵۰. عوالی اللالی، ابن‌ابی‌جمهور احسائی، قم: سید الشهداء، اول، ۱۴۰۵ق.
۵۱. العین، خلیل بن أحمد فراهیدی، قم: هجرت، ۱۴۰۹ق.

۵۲. غررالحکم ودرر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، سید مهدی رجائی، قم: دارالکتاب الإسلامی دوم ۱۴۱ق.
۵۳. الفائق، محمود بن عمر زمخشری، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۷ق.
۵۴. فتح الباری، ابن حجر عسقلانی، تحقیق: جمعی از نویسندگان، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۴۲۴ق.
۵۵. فرهنگ ابجدی، بستانی، فواد افرام، تهران: انتشارات اسلامی، دوم، ۱۳۷۵ش.
۵۶. فرهنگ فارسی برهان قاطع، محمد حسین بن خلف برهان تبریزی، تهران: خرد، نیما، بی‌تا.
۵۷. فصلنامه فرهنگ مردم ایران، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، تهران: شماره ۹، تابستان ۱۳۸۶ش.
۵۸. فضائل الصحابة، أحمد بن حنبل ابو عبدالله الشیبانی، تحقیق: وصی الله محمد عباس، بیروت: مؤسسه الرسالة، اول، ۱۴۰۳ق.
۵۹. القاموس المحيط، محمد بن یعقوب فیروز آبادی، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۵ق.
۶۰. کیمیای سعادت، ابوحامد محمد غزالی، تحقیق: حسین خدیو جم، تهران: علمی و فرهنگی اول، ۱۳۵۴ش.
۶۱. الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق الكلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۶۲. کشف الاسرار و عدة الابرار، رشیدالدین میبدی، به کوشش: علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر، چهارم، ۱۳۶۱ش.
۶۳. الکلم الطیب، ابن تیمیة الحرانی الحنبلی الدمشقی، تحقیق: دکتر السید الجمیلی، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر، اول، ۱۴۰۷ق.
۶۴. کنز العمال، علاءالدین علی بن حسام معروف به متقی هندی، بیروت: الرسالة، پنجم، ۱۴۰۵ق.
۶۵. گناه‌شناسی، محسن قرائتی، تنظیم و نگارش: محمدی اشتهاردی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، هفتم، ۱۳۷۶ش.
۶۶. لسان السان، عبدالله علی مهناء، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۳ق.
۶۷. لسان العرب، ابن منظور، قم: ادب حوزه، ۱۴۰۵ق.
۶۸. لغت‌نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۳ش.
۶۹. المجازات النبویة، محمد بن حسین شریف الرضی، قم: دارالحدیث، اول، ۱۳۸۰ش.
۷۰. مجمع البحرين، فخرالدین بن محمد طریحی، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۷۱. المحکم و المحيط الأعظم، علی بن اسماعیل ابن سیده، تحقیق: عبدالحمید هنداو، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۲۱ق.
۷۲. مخزن العرفان در تفسیر القرآن، سیده نصرت امین، تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ش.
۷۳. مستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبدالله الحاکم النیسابوری، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۱ق.
۷۴. مسند ابن حنبل، احمد بن حنبل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۱۵ق.
۷۵. مسند الرویانی، ابوبکر محمد بن هارون الرویانی، تحقیق: ایمن علی ابویمانی، قاهره: قرطبه، ۱۴۰۶ق.
۷۶. مصباح الشریعة، منسوب به جعفر بن محمد، امام صادق علیه السلام بیروت: اعلمی، اول، ۱۴۰۰ق.

۷۷. المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى، فيومى، احمد بن محمد، قم: دارالهجره، دوم، ۱۴۱۴ق.
۷۸. المصباح للكفعمى (جنة الأمان الواقية)، ابراهيم بن على عاملى كفعمى، قم: دار الرضى، دوم، ۱۴۰۵ق.
۷۹. المصنف فى الأحاديث والآثار، ابن ابى شيبه الكوفى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، الرياض: مكتبة الرشد، اول، ۱۴۰۹ق.
۸۰. معجم الكبير، سليمان بن احمد بن ايوب ابوالقاسم طبرانى، تحقيق: حميدى بن عبدالمجيد السلفى، موصل: مكتبة العلوم والحكم، دوم، ۱۴۰۴ق.
۸۱. مفردات ألفاظ القرآن، حسين بن محمد راغب اصفهانى، تحقيق: صفوان عدنان داوودى، بيروت: دارالقلم، اول، ۱۴۱۲ق.
۸۲. مكارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسى، قم: الشريف الرضى، چهارم، ۱۴۱۲ق.
۸۳. المكاسب المحرمة (ط - الحديثية)، مرتضى بن محمد امين انصارى دزفولى، قم: اول، كنگره جهانى شيخ انصارى، ۱۴۱۵ق.
۸۴. النهاية فى غريب الحديث و الأثر، مبارك بن محمد ابن اثير جزرى، تحقيق: محمود محمد طناحى، قم: موسسه مطبوعاتى اسماعيليان، ۱۳۶۷ش.
۸۵. نهج البلاغة، محمد بن حسين شريف الرضى، تحقيق: صبحى صالح، قم: هجرت، اول، ۱۴۱۴ق.
۸۶. نهج الفصاحة، ابوالقاسم پاينده، تهران: دنيای دانش، چهارم، ۱۳۸۲ش.
۸۷. الوافى، محمد محسن فيض كاشانى، اصفهان: كتابخانه امام أميرالمؤمنين على عليه السلام، ۱۴۰۶ق.
۸۸. هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، محمد بن حسن شيخ حر عاملى، تحقيق: بنیاد پژوهش های اسلامى، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، اول، ۱۴۱۴ق.